

شهيد اسماعيل حسيني



ازتباير علی
سمايه جامع سرداران و هزار شهيد استان بوشهر

نام پدر	بشیر
تاریخ تولد	۱۳۳۹/۰۱/۱۶
محل تولد	بوشهر - دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۳/۱۲/۲۶
محل شهادت	شرق دجله
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	—
تحصیلات	بی سواد
مدفن	کاکي

زندگینامه

زندگنامه شهید

خوشا به حال آنانکه با شهادت رفتند، خوشا به حال آنانکه این گوهر (فرزندان) را در دامن خود پرورش دادند.

چو غلام آفتاب بم همه ز آفتاب گویم

نه شبیم، نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

آب باران را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

اینک بر آنیم تا قلم بر سینه کاغذ نهیم و با تمام ناتوانی حدیث زندگی، شمع وجود دوستان و همولایتی و راست قامت جاودانه دیگر، بزرگ مرد شهید «اسماعیل حسینی» را به صفحاتی آذین ببندیم که شاید حامل پیام این عزیز به عصر و نسل دیگر باشیم.

سخن از شهیدی دیگر است، شهیدی از تبار هاییل که بر علیه قاییل مردانه جنگید، کسی که برای دیدار دوست لحظه شماری میکرد تا اینکه با اصابت گلوله مزدوران بعثی با ییکری خونین به دیدار معشوق شتافت.

در شانزدهمین روز از اولین ماه بهار سال ۱۳۳۹ در روستای شیخیان در خانواده ای از تبار مهر و آیین فرزندی بدنیا آمد که بعدها مردی بزرگ در تاریخ این دیار گردید. پدر نام او را اسماعیل گذاشت، تا روزی ذبیح راه حق شود و مردانه به سرزمین سنای عشق جهت قربانی رود. خانواده از نظر مالی کم بضاعت ولی از نظر ایمانی و معنویت بسیار در حد اعلایی بود، پدر بزرگوار ایشان مانند سایر مردم روستا در صداقت و سادگی مثال زدنی بود، ایام عزای سالار شهیدان همواره علم عزاداری حسین غریب را بر دوش داشت و پیشاپیش مردمان صادق و صمیمی روستا فریاد غریبی حسین و مظلومیت عباس را به نوحه می نشست.

اسماعیل کودکی را در آن روستا گذرانید، روستای شیخان از توابع بخش کاکی شهرستان دشتی بر کرانه شرقی مند در کنار کوهی به همین نام قرار دارد. مردمان با صفا و صمیمی که گرد محنت روزگار بر چهره های جنوبی این مردمان پر تلاش سایه افکنده است. این روستا بنا به اعتقادات مردمی مدفن دو امامزاده معصوم، امامزاده حسن و امامزاده جعفر می باشد که بنا به اعتقادات مردم این منطقه این دو بزرگوار از فرزندان امام موسی کاظم (ع) می باشند که بارگاه مذکور همواره زیارتگاه مردم بوده است، مردم روستا در پیروزی انقلاب و اعزام به جبهه به فرمان رهبر عزیز و فرزانه نقش بسیار خوبی داشتند که در این راه شهیدانی نیز تقدیم نمودند، که یکی از عزیزان زنده یاد همیشه تاریخ اسماعیل بود.

اسماعیل بدلیل مشکلات و تگناهای اقتصادی خانواده نتوانست برای تحصیل و کسب علم به مدرسه رود.

ده ساله بود که گرد یتیمی بر معصومیت گونه هایش نقش بست، مسؤولیت این مرد بزرگ را دو چندان می کرد، از همان کودکی مجبور شد برای امرار معاش به کار کشاورزی بپردازد، جهت انجام کارهای بنایی و ساختمانی به همراه خانواده به کاکلی هجرت نمود و تا مدت‌ها به کار بنایی مشغول بود.

قلب شهید مالا مال از عشق به ولایت بود، با شروع جنگ ایشان همیشه اخبار و وقایع جنگ را دنبال می کرد، با فرا رسیدن دوران مقدس سربازی جهت گذراندن خدمت به پادگان آموزشی اعزام گردید و پس از گذراندن دوره ی آموزشی با عشق وافر که به اسلام و رهبر داشت عازم میدان های نبرد شد و مدتها در جبهه شوش خدمت کرد، پس از مدتی به مرخصی آمد، در زمستان ۶۲ با یکی از بستگان ازدواج نمود و یک هفته از ازدواجش نگذشته بود که راهی میدان های نبرد گردید، با شروع عملیات بدر در منطقه ی عمومی هورالهوریزه و شرق بصره ایشان رشادتها به خرج داد و در تاریخ ۶۲/۱۲/۲۶ به افتخار شهادت نایل آمد، پیکر پاکش سالیان متمادی فضای هور را عطر آگین کرده بوده، سرانجام در سال ۷۳ پیکر این قهرمان نام آور توسط گروه تجسس شناسایی و در مؤرخه ۷۳/۱۲/۱۵ به کاکای منتقل نمودند و در میان استقبال گرم همشهری ها و خانواده تا گلزار شهدا تشییع گردید و در جوار دیگر شهدای مظلوم این خطه به خاک سپرده شد.

مشخصات پدر شهید اسماعیل حسینی

نام: بشیر

نام خانوادگی: حسینی

تاریخ تولد: ۱۳۱۴

محل تولد: چاه حسین جمال

زندگی نامه

مرحوم بشیر فرزند زایر حسین زایر عبدعلی در سال ۱۳۱۴ در روستای چاه حسین جمال متولد گردید، کودکی را در همانجا گذراند در ایام جوانی به شیخیان مهاجرت نمود. شغل ایشان کاشت غلات به روش سنتی بود، حدود ۲۰ سالگی با دختر دایی خود ازدواج می نماید که حاصل این ازدواج ۴ پسر و ۱ دختر می باشد. در سال ۱۳۵۸ بر اثر بیماری پس از دو ماه بستری در بیمارستان بوشهر دارفانی را وداع گفت، وی سه بار به مشهد مقدس جهت زیارت امام رضا(ع) مشرف گردید.

خداوند او را غریق دریای رحمت خویش گرداند.

مشخصات مادر شهید اسماعیل حسینی

نام: مریم

نام خانوادگی: حسینی

تاریخ تولد: ۱۳۱۴

محل تولد: شیخیان

زندگی‌نامه

مریم حسینی فرزند محمد زایر حسین ابول در روستای شیخیان در خانواده ای مذهبی و متدین متولد گردید. دوران کودکی را به کمک خانواده در کارهای منزل و کمک در کشاورزی و دامداری سپری نمود. در سن ۲۴ سالگی با مرحوم مشهدی بشیر حسینی پسر عمه ی خود ازدواج می نماید که از وی ۴ پسر به نامهای: علی، عبدالحسن، محمد و اسماعیل و یک دختر به نام زینب متولد گردید. پسر بزرگ ایشان علی در سن ۱۸ سالگی فوت می نماید و فرزند آخر به نام اسماعیل در جبهه به شهادت می رسد. ایشان با جدیت و تلاش مضاعف در راه تربیت و پرورش فرزندان خود متحمل زحمات زیادی گردید که از برکت وجود این مادر بزرگوار فرزندانی بسیار متدین و برومند را پرورش داده است. ایشان بسیار متقی و پرهیزگار است بارها به زیارت مشهد مقدس مشرف گردیده است.

وصیت نامه

قسمتی از وصیت نامه شهید اسماعیل حسینی

وصیت من به جوانان عزیز این است که گوش به فرمان امام باشید و دعوت ایشان را اجابت نمایید و مبادا سنگر جبهه را خالی کنید و دشمن را شاد کنید، مبادا که خون شهیدان انقلاب اسلامی به هدر رود، جان ما هزاران بار فدای امام خمینی و انقلاب اسلامی.

برادران و خواهران عزیز، گوش به فرمان رهبر باشید در جبهه و چه در پشت جبهه و دستورات و احکام اسلامی را فراموش نکنید و شئون اسلام را رعایت نمایید، جان شما و جان رهبر، جان شما و جان مادر بزرگوار و زحمت کشیده ام، نگذارید که در غیاب من مادرم سوخته و پریشان گردد.

« شهادت من بر همه ی شما مبارک باد».

مصاحبه

مصاحبه با برادر شهید اسماعیل حسینی

۴ با عرض سلام، در مورد اخلاق و رفتار شهید با ما سخن بگویید.

□ ایشان فردی مؤدب و مهربان بودند، هرگز عملی انجام ندادند که افراد خانواده ناراحت شوند، همه مردم به خاطر اخلاق و رفتار متین و سنگینش او را دوست می داشتند.

۴ نحوه ی رفتار با والدینش چگونه بود؟

□ شهید پدر را در سن ده سالگی از دست داد، مادر او را بزرگ کرد به همین خاطر او مادرش را بسیار دوست می داشت و احترام خاصی برای او قائل بود و هرگز نمی گذاشت که مادرش ناراحت باشد و یا سختی ببیند.

۴ شهید با کدامیک از اعضای خانواده ارتباط بیشتری داشت؟

□ همان طور که عرض کردم ایشان مادرش را خیلی دوست داشت ولی در مجموع با تمام اقوام و بستگان رابطه ی بسیار خوبی داشت به طوریکه همه ی اهالی روستا او را دوست می داشتند و به خاطر زحماتی که جهت امرار معاش خانواده متحمل می شد او را تحسین می کردند همه ی ما شاهد زحمات ایشان بودیم.

۴ چه موقعی به جبهه اعزام شدند؟

□ ایشان در سن ۲۱ سالگی به خدمت سربازی رفتند و آموزش را در تیپ ۵۵ هوا برد شیراز گذراندند و از همانجا به جبهه شوش اعزام شدند.

۴ چه توصیه هایی به شما می کرد؟

□ به نماز و دعا اهمیت فراوان می داد و می گفت که پیرو خط امام باشید و راه امام و شهدا را ادامه دهید، نماز و دعا را همیشه می خواند به نماز سر وقت اهمیت خاصی می داد، به قرائت قرآن نیز اهتمام می ورزید، در نماز جماعت مسجد شرکت می کرد.

۴ ارتباط شهید با دوستان چگونه بوده است؟

□ شهید در روستا دوستان زیادی داشت که همه او را در انجام کارهایش یاری می کردند، همدیگر را خیلی دوست داشتند شهید احترام خاصی برای دوستانش قائل بود.

۴ در مورد حق الناس چگونه عمل می کردند؟

□ در هر جا که نیاز به کمک ایشان بود وی خود به مردم کمک می کرد و همسایه ها را تا آنجا که می توانست در

امورات زندگی یاری می کرد.

۴ از نحوه شهادت ایشان برای ما صحبت کنید.

ایشان در سال ۱۳۶۲ در عملیات بدر در شرق بصره جاویدالآثر گردید و سرانجام در سال ۷۳ خبر شهادت ایشان برای ما آوردند و پیکر ایشان در تاریخ ۱۵/۱۲/۷۳ پس از تشییع در گلزار شهدای کاکلی به خاک سپرده شد.

۴ از این که برادر شهید هستید چه احساسی دارید؟

بسیار خوشحال و سرافرازم که این شهید را در راه حفظ انقلاب و راه امام تقدیم نموده ایم.

۴ به عنوان برادر شهید چه سفارشی برای مردم و مسؤولین دارید؟

همه باید برای دفاع از آرمانهای اسلام و امام به پا خیزند و نگذارند که خون شهیدان پایمال شود و بدانند آرامشی که دارند از برگت خون شهیدان است.

خاطرات

« تقدیم به شهید اسماعیل حسینی که وصیت نامه را با فانوس شبانه در آن زمستان سرد سگر جا گذاشت »

در جاری رود عشق تطهیر شدند چون چشمه رها ز خاک دلگیر شوند

شفاف به شکل آبشاری ز شکوه از خویش گذشتند و سرازیر شدند



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران